

# منجک

سال چهاردهم / شماره ۶۵ / آبانماه ۱۴۰۲



تجدید بنا خواهد شد

این سازه‌های ویران



وقتی ظلم و جنایت از حد گذشت، وقتی درنده‌خویی به نهایت رسید، باید منتظر طوفان بود. شما با ملت فلسطین چه کردید؟ اقدام شجاعانه و در عین حال فداکارانه‌ی فلسطینی‌ها؛ پاسخ به جنایت دشمن غاصب بود که سال‌ها ادامه داشت و در ماه‌های اخیر شدت آن؛ افزایش پیدا کرده بود؛ مقصّر هم، دولت کنونی حاکم بر رژیم غاصب صهیونیستی است. در تاریخ اخیر دنیا - تا آنجایی که ما در این برهه‌ی اخیر دنیا، [یعنی] در این صد سال اخیر یا بیشتر سراغ داریم - هیچ ملّتی از ملت‌های اسلامی با دشمنی؛ مثل دشمنی که فلسطینی‌ها امروز؛ با آن مواجه هستند مواجه نبوده؛ دشمنی با این شرارت، با این خبائت، با این بی‌رحمی، با این خونخواری، هرگز در مواجهه با ملت‌های اسلامی و کشورهای اسلامی نبوده. ملت‌ها در بسیاری از مواقع مظلوم واقع شده‌اند، اما دشمن آنها این قدر بی‌حیا، این قدر خبیث، این قدر بی‌رحم نبوده. هیچ ملّتی از ملت‌های مسلمان، مثل ملت فلسطین، در فشار، در محاصره، در کمبود قرار نداشته و ندارد؛ نه امروز در دنیا سراغ داریم، نه در این برهه‌ای که حالا جلوی چشم ما است سراغ داریم.

بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموزی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح ۱۴۰۲/۷/۱۸



ماهنامه **منجّم** / آبان ۱۴۰۲ / شماره ۶۵

صاحب امتیاز: بنیاد و مؤسسه فرهنگی  
حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس  
مدیرمسئول: استاد حاج شیخ علیرضا حدائق  
سر دبیر: حجت الاسلام محمدحسین حدائق  
هیأت تحریریه: خانم نادری و آقای غیبی

شیراز، کوی زهرا علیها السلام، نبش کوچه ۸، روبروی  
دبستان شهیدان اتحادی، بنیاد و مؤسسه  
فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس



بنیاد و مؤسسه فرهنگی



بنیاد و مؤسسه فرهنگی

از علاقه مندان به مطالب مهدوی دعوت به  
عمل می آید جهت استفاده از مطالب متنوع  
مهدوی به سایت [www.bonyademahdi.com](http://www.bonyademahdi.com)  
مراجعه نمائید.

شماره تماس: ۰۷۱-۳۷۲۵۵۸۵۱

فهرست مطالب

سخن سردبیر ۴

در محضر شهدا ۵

دقایقی پای خاطرات استاد ۱۰

امام زمان علیه السلام دفع کننده ی بلا

از امت ۱۳

غفلت تا کی؟ ۱۸

رسانه ۲۱

کوتاه اما شنیدنی ۲۵

افول خانه عنکبوت ۳۰

اندکی درنگ ۳۵

فرق انحرافی ۳۹

طوفان فکری ۴۳

گزارش تصویری ۴۷

آینده در قرآن کریم، مبتنی بر وعده‌ی تحقق تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام، گسترش دین اسلام، غلبه آن بر همه ادیان و پیروزی دین خدا است. در این زمینه، آیات بسیاری در قرآن کریم وارد شده است. یکی از آیات امیدوار کننده که مایه‌ی دلگرمی همه‌ی پیروان حق است و مژده‌ی پیروزی حق و نابودی باطل را می‌دهد این آیه است: «قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»<sup>۱</sup> بگو: حق آمد و باطل نابود گشت، (چراکه) باطل نابودشدنی است.»

این آیه، نویدبخش تحقق این آرزوی دیرینه بوده و فرارسیدن روزی را مژده داده است که در سرتاسر جهان، حق حکومت کند و باطل، نابود گردد. باطل، صولت و دولتی دارد، رعد و برقی می‌زند ولی عمرش کوتاه است و سرانجام به دره نیستی سقوط می‌کند. اگر باطل ظهور و وجودی دارد، به خاطر این است که حق، آن طور که باید ظهور نیافته است، و گرنه به محض پیدایش حق، باطل نابود می‌شود.

این آیه، در دوره‌های مختلف، مصادیق خاص خود را دارد، از سختی‌هایی که مسلمانان در صدر اسلام متحمل شدند که نهایتاً فتح مکه، نتیجه مقاومتشان شد تا سختی‌هایی که مسلمانان در عصر حاضر، پشت سر می‌گذارند و نوید ظهور منجی به آنها داده شده است. اما در این میان وعده‌ی شکست جریان‌های باطل و پیروزی مؤمنان و حامیان حق و عدالت، همواره نوید بخش بوده است.

آری! این یک سنت الهی است که اگر اهل حق بر خدا توکل کرده و در برابر باطل و ظلم ایستادگی نمایند خداوند آنها را پشتیبانی می‌کند و به پیروزی و رستگاری نایل می‌گرداند. همان طور که ملت غیور ایران توانستند با رهبری امام خمینی علیه السلام حکومت ستم شاهی را سرنگون و حکومت اسلامی را برپا نمایند.

مقاومت مردم فلسطین با اتکاء به نصرت الهی و عملیات بی سابقه و شگفت انگیز طوفان الاقصی، توانست اُبَهِت پوشالی رژیم خونخوار صهیونیستی را چون گنبد آهنین آن‌ها فرو ریزد و این تبلور حقانیت و حقیقت، از سنن الهی است و پر واضح است که این غلبه با یاری خداوند متعال همراه خواهد بود که «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أَقْدَامَكُمْ»<sup>۲</sup>

## شهادت را به کسانی می‌دهند که پرکارند

اسفند سال ۸۸ بود. مثل هر سال در تالار وزارت کشور برای سالگرد شهادت شهید باکری مراسم گرفته بودند. آن روز تهران بودم. محمودرضا زنگ زد و گفت: میایی مراسم؟ گفتم: چطور؟ گفت: بیا، سخنران مراسم، حاج قاسم سلیمانی است. گفتم: پس حتماً میایم.

مقابل ورودی تالار قرار گذاشتیم. محمودرضا زودتر از من رسیده بود. محمودرضا را پیدا کردم. رفتیم و طبقه بالا نشستیم. همه صندلی‌ها پر بود. به زحمت جایی روی لبه یکی از پله‌ها پیدا کرده و نشستیم روی لبه. تا حاج قاسم بیاید، با محمودرضا حرف می‌زدیم. حاج قاسم که روی سن آمد، محمودرضا سکوت کرد و دیگر حرف نمی‌زد. من گوشی موبایلم را

درآورده و شروع به ضبط صحبت‌های حاج قاسم کردم. محمودرضا تا آخر، ساکت بود و گوش می‌داد. وقتی حاج قاسم داشت حرفهایش را جمع بندی می‌کرد، محمودرضا یک مرتبه گفت: حاج قاسم خیلی ضیق وقت دارد. این کت و شلواری

# در محضر شهید



که تنش هست را می‌بینی؟ شاید اصرار کرده‌اند تا این کت و شلوار را بپوشد و الا حاج قاسم همین قدر هم وقت ندارد. بعد از برنامه، از پله‌های ساختمان وزارت کشور پایین می‌آمدیم که به محمودرضا گفتم: کاش می‌شد حاج قاسم را از نزدیک دید. گفت: من خجالت می‌کشم وقتی توی صورت حاج قاسم نگاه می‌کنم؛ چهره‌اش خیلی خسته و تکیده است. این اواخر گفت: من یک بار پیش حاج قاسم برای بچه‌ها حرف می‌زدم، گفتم: بچه‌ها من اینطور فهمیده‌ام که خداوند شهادت را به کسانی می‌دهد که پرکار هستند و شهدای ما غالبا اینطور بوده‌اند. بعد گفت: حاج قاسم این حرف مرا تأیید کرد و گفت بله همینطور است.<sup>۱</sup>

### چادر عربی

سال ۹۱ با حاجی رفتیم سوریه. در حال زیارت در مسجد اموی بودیم که متوجه خانمی افغانستانی شدیم که هر جا می‌رفتیم، پشت سر ما می‌آمد، دو دختر کوچک هم همراهش بود. وقتی به مقام راس الحسین (علیه السلام) رسیدیم، نزدیک آمد و به من گفت: خانم، وقتی در خیابان‌ها قدم می‌زنید آهسته صحبت کنید، چون تکفیری‌ها برای سر زنان ایرانی، جایزه گذاشته‌اند. من خیلی نگران شدم، به حاجی گفتم: باید برای من چادر عربی و پوشیه بخرید تا ما شناسایی نشویم. حاجی خندید و گفت: شما از ایران به اینجا آمده اید تا این مردم مظلوم، قوت قلب بگیرند و به نتیجه‌نهایی مقاومت، امید پیدا کنند. راست می‌گفت؛ مردم سوریه از دیدن ما خیلی تعجب کرده و با شعف خاصی می‌گفتند: «اهلا و سهلا»<sup>۲</sup>

## سنگ‌سازی

چند شب دیدم شهید بلباسی موقع خواب نیست. برایم جای سوال بود که چرا وقتی همه خوابند و موقع استراحت است، ایشان نیستند. یک شب به صورت اتفاقی، وقتی ساعت از دوازده گذشته بود، ایشان را دیدم که در حال پر کردن کیسه‌هایی است که برای سنگ‌سازی استفاده می‌شود. ایشان کیسه‌ها را پر کرده، با ماشین جا به جا می‌نمود و واقعاً مشغول سنگ‌سازی بود.<sup>۳</sup>

## اتفاق عجیب

شب ساعت ۱۰:۳۰ بود که به ورودی بغداد رسیدیم. ظاهراً در بغداد ساعت ۹ به بعد حکومت نظامی بود و ایست بازرسی‌ها، شدید می‌شد. نمی‌دانم چطوری! ولی ایست بازرسی‌ها را رد کردیم. باید وارد یک شهرک شیعه نشین در بغداد می‌شدیم، حلقه امنیتی شهرک خیلی محکم بود. تقریباً ۷۰٪ بمب‌هایی که در بغداد منفجر می‌شد، مربوط به این شهرک بود. رسیدیم به مهم‌ترین ایست بازرسی که ورودی شهرک بود، آن رفیق عراقی، که فهمید ما پاسپورت نداریم گفت: رد شدن از اینجا ممکن نیست، اگر بفهمند بدون پاسپورت آمده‌اید که...

# در محضر شهید

بالاخره با کلی استرس رسیدیم به ایست بازرسی، همه را پیاده کردند. من و حاجی دو نفر آخر بودیم. افسر عراقی، از نوک پا تا موی سرمان را گشت، دو بار هم گشت. تفتیش که تمام شد، یک غول آمد جلو و گفت: کارت شناسائی! من هول کردم، آرام گفتم: حاجی اینجا کارت ملی هم قبول می‌کنند؟ حاجی گفت: هیس!! «و جَعَلْنَا» بخون. دوتایی شروع کردیم: «و جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ». واللّٰه قسم همین که مامور رسید به حاجی، گفت: خوب دیگه همه چی درسته، شما هم برید سوار شید.

این اتفاق برای من عجیب نبود، اما آن رفیق عراقی، تا روزی که از او جدا شدیم، به حاجی گیر داده بود که جریان آن ایست بازرسی چی بود.<sup>۴</sup>

## ////// امر به معروف

تقوای ایشان برای حقیق درس‌های زیادی داشت به کرات شاهد بودم، با نهی از منکر خاص خودشان، جلوی غیبت را می‌گرفتند. اگر صحبت از فرد غایبی می‌شد، اگر فرد غایب رو می‌شناختند، به نحوی سعی می‌کردند او را تبرئه کنند مثلاً اگر بدی او گفته می‌شد، حاج رضا می‌گفت: نه، اینطورها هم نیست. اگر می‌دید بازهم جلسه، به غیبت ادامه می‌دهد، بلند صلوات می‌فرستاد به طوری که همه ساکت شوند، باز اگر ادامه می‌دادند ایشان صلوات می‌فرستاد، آن قدر صلوات می‌فرستاد تا گوینده خجالت می‌کشید و ادامه نمی‌داد. نهی از منکر ایشان هم غیر مستقیم بود که هم کسی ناراحت نمی‌شد و هم موثر واقع می‌شد.<sup>۵</sup>



## خانواده

از گردان آمده و خیلی خسته بودیم، به آقا مهدی گفتم: بیا بریم یک جا خستگی از تن بیرون کنیم، یک چیزی هم بخوریم بعدش می‌رسونمت خونه. گفتم: نه الان برسونم خونه. خستگی من در کنار خانواده تموم میشه. بعد سفارش کرد که ما کارمون طوریه که برای خانواده وقت کم میاریم. حتی چند دقیقه هم که وقت گیر آوردی، کنار خانوادت باش.<sup>۶</sup>

- ۱- کتاب: تو شهید نمی‌شوی، روایت زندگی شهید محمودرضا بیضایی، احمدرضا بیضایی، با کمی دخل و تصرف
- ۲- کتاب: مقام اسماعیل، روایت زندگی شهید اسماعیل حیدری، علی رستمی، با کمی دخل و تصرف
- ۳- کتاب: برای زین آب، روایت زندگی شهید محمد بلباسی، سمیه اسلامی و فاطمه قنبری، با کمی دخل و تصرف
- ۴- کتاب: سه گاه ابوهادی « روایت زندگی شهید علی تمام زاده»، سید حمید سجادی منش، با کمی دخل و تصرف
- ۵- کتاب: چهل قدم تا عشق، روایت زندگی شهید رضا فرزانه، سید حسن شکری، مهدیه زکی زاده، با کمی دخل و تصرف
- ۶- کتاب: پرواز با پاراگلایدر، روایت زندگی شهید مهدی علی دوست آلانقی، علی فاطمی پور، فاطمه جعفری نجف آبادی، با کمی دخل و تصرف

## هجرت مقدّسی

تاریخ یکی از علمای همدان، در ۷۰۰ سال پیش را می‌خواندم. بسیار بر خود تأسف خوردم. مرحوم آیت الله سید علی همدانی ۷۰۰ سال قبل، به هندوستان سفر کرد و اوج فقر و بت‌پرستی مردم را دید. در بازگشت از سفر، دو نفر از طلاب را به هند فرستاد و به آنها گفت: مرتّب مشاهدات خود را از وضع جامعه‌ی هند، برای من بنویسید. کار دیگری نیز انجام داد و آن، این بود که ۷۰۰ نفر، نیرو آماده کرد که انواع حرفه‌ها و تخصص‌ها در آنها جمع بود؛ آهنگر، نجّار، خطاط، موسیقی دان، معمار، قالیباف و... مدّتی با این ۷۰۰ نفر کار کرد، آنگاه با این لشکر ۷۰۰ نفری وارد هند شد. این گروه به محض ورود، مشغول کار شدند، امتیاز اوّل این گروه این بود که چون هنر داشتند بار بر مردم نبودند، امتیاز دوّم این بود که مجّانی هنرشان را به هندی‌ها آموختند.

دیری نگذشت که هزاران نفر از مردم هند، به اسلام گرویدند. هندی‌ها به موسیقی، خیلی علاقه داشتند، موسیقی دان‌های مسلمان، موسیقی آنان را، با محتوای سازنده جهت دادند، زبان فارسی و عربی در هند رایج شد و خلاصه اینکه این عالم همدانی، تحوّل در جامعه‌ی هند به پا کرد.

۶۶



## دقایقی پای خطرات استاد

## بی پیر، مرو تو در خرابات |

در سفری چند جوان را دیدم که کار تحقیقی روی قرآن انجام می‌دهند. گفتم: در علوم قرآنی، تخصص و سواد شما چقدر است؟ گفتند: مایه عربی آن چنانی نداریم، اما در رشته خود، دانشجویان خوش فکری هستیم. گفتم: عزیزان من! بی پیر، مرو تو در خرابات. کباب پزی هم تخصص می‌خواهد، وگرنه گوشت‌ها روی آتش می‌ریزد!

آن گاه از آن‌ها پرسیدم: «فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ»<sup>۱</sup> یعنی چه؟ گفتند: یعنی در کشتن اسراف نباید کرد. گفتم: پس یکی دو نفر را می‌شود کشت؟ متحیر شدند و گفتند: پس معنای آیه چیست؟ گفتم: چون در زمان جاهلیت وقتی دو قبیله با هم می‌جنگیدند به انتقام یک کشته، ده‌ها نفر را می‌کشتند، این آیه می‌گوید: یک نفر در مقابل یک نفر، نه بیشتر.

## رابطه یا قهر |

شخصی می‌گفت: برادری دارم که نماز نمی‌خواند، خواهر زنی دارم که تارك الصلوه است، آیا با آنان رفت و آمد داشته باشم؟ رابطه فامیلی را چه کنم؟ گفتم: این، مربوط به اثر است، گاهی ممکن است با رفت و آمد و محبت، انسانی را عوض کرد و گاهی بر عکس. اگر نجات می‌دهی برو و اگر غرق می‌شوی نرو.

## تاثیر تبلیغ |

زمان طاغوت، برای جوانان و نوجوانان جلسه داشتم، شخصی به من گفت: زیاد خودت را خسته نکن، اینها تا ۱۸ سالگی به حرف‌هایت گوش می‌کنند بعد یا به سربازی می‌روند یا دانشگاه و در آن محیط‌های بزرگ، غرق مسائل

انحرافی و شهوانی می‌شوند.

به او گفتیم: فایده حرف‌های من این است که وقتی انسان فهمید حلال و حرام چیست؟ راه خدا و راه شیطان کدام است؟ برپرض به انحراف کشیده شود، اما باز می‌گردد.

## تأثیر مثال

شخصی به من گفت: آقای قرائتی! در تلویزیون مثالی زدی که مرا حسابی تکان داد! مثل این بود که گفتی: اگر یک نوار ده تومانی داشته باشی، حاضر نیستی صدای گربه، روی آن ضبط کنی، ولی حضری روی نوار مغزت، هر چرت و پرتی را ضبط کنی! چرا شنیدن دروغ و تهمت و غیبت و... برایت بی‌اهمیت است؟!

## حسابرسی قیامت

سالروز تاسیس نهضت سواد آموزی، به اتفاق همکاران خدمت امام خمینی علیه السلام رسیدیم. باید گزارشی از کار نهضت، ارائه می‌دادم. من که سال‌ها در تلویزیون مثل بلبل حرف می‌زدم، در محضر امام دستپاچه شده، تمام حرف‌ها را به صورت ناقص، گفتم و بعد از اتمام جلسه، پیش خود گفتم: راستی قیامت چه خبر است؟ چگونه می‌خواهیم در محضر خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله حساب پس بدهیم؟

۱- اسراء، ۳۳

۲- کتاب خاطرات، حجت الاسلام والمسلمین قرائتی، با کمی دخل و تصرف

یکی از ویژگی های امام عصر علیه السلام، خاتم الأوصیاء بودن ایشان است؛ یعنی حضرت، پایان بخش سلسله ی امامت هستند. این مختص حضرت ولی عصر علیه السلام است و سایر ائمه علیهم السلام، خاتم الأوصیاء نیستند. حضرت در توقیع شریفی می فرماید: «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِی وَ شِيعَتِی»<sup>۱</sup> من آخرین از جانشینان پیامبر هستم و خدا به واسطه ی من، بلا را از اهل من و شیعیانم برمی دارد.

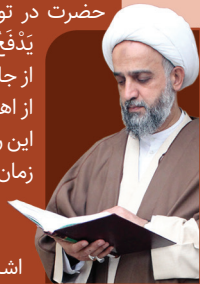
این روایت حاوی یک نکته برای شناخت شخصیت امام زمان علیه السلام است؛ امام زمان علیه السلام وجود بالارزشی است که بلا را از بندگان خدا، خصوصاً شیعیان دور می سازد.

قبلاً به راز ولادت و زندگی مخفیانه ی امام زمان علیه السلام اشاره کرده و گفتیم، پنهان زیستی حضرت، به امر الهی و به دلیل شرایطی بود که توسط حاکمان

ظالم بنی عباس برای ایشان ایجاد شده بود. وجود

مقدس امام عسکری علیه السلام در عین حالی که امام زمان علیه السلام را به همگان معرفی

نمی کردند اما در موارد نادری، بنابر مصلحت و البته لیاقت افراد، پرده از چهره ی مبارک ایشان برمی داشتند. ویژگی مشترک همه ی این افراد آن بود که در سایه ی تعالیم اهل بیت علیهم السلام به مرتبه ای از تربیت دینی رسیده بودند که محرم و حافظ اسرار ائمه علیهم السلام باشند. این امر به صورت یک قاعده درآمد و در طول تاریخ - چه در زمان



## امام زمان علیه السلام دفع کننده ی بلا از امت

غیبت صغری و چه غیبت کبری. افرادی که لیاقت خود را به اثبات رسانده بودند، به محضر حضرت بقیةالله علیه السلام شرفیاب می شدند.

### تشرّف نماینده مردم قم

«سعد بن عبدالله اشعری» که از محدثان نامدار شیعه بود به نمایندگی از مردم قم راهی سامرا شد تا وجوهات مردم قم را خدمت امام عسگری علیه السلام تقدیم کند. این وجوهات در کیسه هایی بود که هرکدام مهر خاصی داشت و سر بسته و پلمپ بود. هنگام خروج از قم، پیرزنی، یک پیراهن که خود بافته بود را به همراه دو درهم به او داد و خواهش کرد که آن را به امام عسگری علیه السلام برساند.

سعد بن عبدالله وقتی وارد خانه ی امام شد، کیسه ها را همراه خود به داخل منزل برد اما فراموش کرد که پول و پیراهن پیرزن را از خورجین در آورد. او می گوید هنگامی که وارد خانه امام عسگری علیه السلام شدم حضرت مشغول پاسخگویی به نامه هایی بودند که در مقابلشان بود. یک کودک حدوداً سه ساله با چهره گندمگون نیز در اتاق ایشان بود که سعی می کرد قلم را از دست حضرت بگیرد که ما آن طفل را نمی شناختیم. حضرت برای این که بتوانند به کار خود برسند با یک گوی پارچه ای که کنارشان بود آن کودک را سرگرم می کردند و در این فاصله به نوشتن پاسخ نامه ها می پرداختند. در همین اثنی به فکر فرو رفتم که بعد از امام عسگری علیه السلام، زمام هدایت و امامت را چه کسی به عهده خواهد گرفت و امام بعد از ایشان کیست؟

تقریباً از ابتدای دوران امامت، کسانی که از راه های دور خدمت ائمه علیهم السلام

می‌رسیدند به روش‌های مختلف از تشرّف به محضر امام اطمینان حاصل می‌کردند؛ مثلاً برای آن که مطمئن شوند در محضر امام نشسته‌اند، منتظر اخبار غیبی حضرت می‌شدند. در موارد متعددی، ائمه علیهم‌السلام بدون باز کردن نامه‌ها، جواب‌هایی مرقوم می‌کردند و یا اخباری را از بلاد مراجعه‌کنندگان می‌دادند؛ یکی از روش‌ها این بود که امام خصوصیت اموالی را که مراجعان با خود آورده بودند برمی‌شمردند و در صورت صحت، ادعای امامت ایشان اثبات می‌شد. همچنین در برخی از موارد امام علیه‌السلام پاسخ شبهه یا موضوعی که به ذهن مراجعه‌کنندگان خطور کرده بود را می‌دادند. سعد بن عبدالله می‌گوید تا این فکر به ذهنم خطور کرد که بعد از امام حسن عسکری علیه‌السلام، چه کسی امام خواهد بود، حضرت رو به همان طفل کرده و فرمودند: فرزندم! وجوهات مردم قم را تحویل بگیر. آن طفل در مقابل دیدگان متعجب ما جلو آمد و فرمود: داخل کیسه اول ۲۲۵ دینار است که تعداد معینی معیوب



و بقیه سالم هستند و متعلق به فلان شخص است و شغل آن فرد را هم گفتند. سپس فرمودند: ما وجوهاتش را قبول می‌کنیم. وقتی که کیسه باز شد، مشاهده کردیم که همه‌ی آن مشخصات درست است و این واقعه تکرار شد تا تکلیف همه‌ی اموال روشن شد. البته برخی از اموال را به دلیل آن که به حرام آمیخته بود نپذیرفتند و خواستند که به صاحبانشان برگردانده شود. با این حرکت امام عسکری علیه السلام، ما امام پس از ایشان را شناختیم و بر ما روشن شد که آن طفل، وجود مقدس امام زمان علیه السلام است. بعد از اینکه تکلیف اموال روشن شد، حضرت فرمودند: برو هدیه آن پیرزن قمی و پیراهنی که در خورجین گذاشتی را بیاور؛ ما پول او را می‌پذیریم و لباس او را قبول می‌کنیم و در حق او دعا می‌کنیم.

شرایط آن روزگار اقتضا می‌کرد که حتی در زمان حیات امام عسکری علیه السلام هم مصلحت نباشد که همگان، امام عصر علیه السلام را ببینند و فقط خواص این توفیق را داشتند.

خلیفه عباسی که موفق به پیدا کردن امام زمان نشده بود دستور داد پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، به منزل ایشان یورش برند تا اگر از آن مولود مبارک اثری دیدند فوراً ایشان را به شهادت برسانند؛ زیرا یقین داشت که وعده‌ی الهی محقق شده و آن منجی بزرگ به دنیا آمده است؛ بنابراین آخرین تلاش مذبحخانه خود را برای از میان برداشتن عدالت گستر جهان انجام داد.<sup>۲</sup>

در این میان برخی از نزدیکترین افراد به امام زمان علیه السلام همچون عمویشان جعفر کذاب، که بعد توبه کرد و به جعفر توابع معروف شد، که امام زمان علیه السلام را



ندیده بود در روز تشییع امام عسگری علیه السلام و اقامه‌ی نماز توسط امام زمان علیه السلام با اغراض دنیایی منکر وجود فرزندی برای امام عسگری علیه السلام شد. بعد از اقامه‌ی نماز بر پیکر مطهر امام عسگری علیه السلام دوران غیبت صغرا شروع شد و حضرت از انظار عموم مردم غائب بودند و تنها توسط نواب خاص که چهار نفر بودند با مردم سخن می‌گفتند. با ارتحال نایب چهارم، دوران غیبت کبری - که ما نیز به آن مبتلا هستیم - شروع شد و فصل جدیدی از وظایف و تکالیف فردی شیعیان در برابر امام زمان گشوده شد.

برگرفته از کتاب نسیم انتظار، مجموعه بیانات استاد حاج شیخ علیرضا حدائق

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۱

۲- کمال الدین، ص ۴۳ و کافی، ج ۱، ص ۵۰۵



## غفلت تا کی!

امام، اصل است و ما فرع، امام خورشید است و ما اشعه‌های نورش. اگر فرع از اصل و اشعه از خورشید جدا شود چه می‌شود؟ انسان گم می‌شود؛ دیگر نمی‌تواند بیابد که در کجاست و برای کجاست. سر در گمی و حیرت به سراغش می‌آید و او مُدام برای فراموشی این حیرت، سراغ بازی و حاشیه می‌رود. دشمن نیز او را یاری می‌دهد که مبادا تفکر، او را به اصلش برگرداند. اما همیشه که نمی‌شود در بازی بود؛ کوچک‌ترین خلوت، او را به خود می‌آورد. آخرش که چه؟

## بهترین نسخه

او زار و گرفتار است و برای فرار خود از این واقعیت، اهداف پوچ و ساختگی می‌سازد؛ تعویض خانه، ماشین، وسایل منزل...

هر کدام تنوعی است که مدتی او را مشغول می‌کند اما باز هم دوری از اصل او را آزار

# غفلت تا کی!

می‌دهد. در حالیکه هیچ خبری از اصل خویش ندارد.

امام اصل است، یاد او مقدمه اتصال به اوست که شعاع خورشید بدون اتصال به خورشید، وجود و اثری نخواهد داشت. از این جهت برای فرار از گرفتاری باید از غفلت، فرار کرد تا گرفتاری‌ها پایان پذیرد و آرامش میهمان قلب‌ها باشد و زندگی با خوشی وصف ناپذیری رنگ عشق و محبت گیرد. لذت زندگی در عشق است و لذت عشق در یاد معشوق. و این بهترین نسخه‌ای است که خالق انسان برای او پیچیده است

## یاد امام، مونس مومن

یاد او مونس مومن است و ایمان بدون یاد یار در قلب، جایگاهی ندارد. شرط ایمان، همراهی اوست و یاد شیرینش اگر آمد انسان، سرمایه دار می‌شود که نه حُزنی دارد و نه ترسی و سکینه و آرامش که گمشده انسان است در سایه‌ی یاد یار حاصل می‌گردد. «یاد مهدی علیه السلام از قلوب مومنین، غایب نمی‌شود.»<sup>۱</sup> فقط مومن، آرامش دارد و ایمان در گروی یاد مهدی علیه السلام است. و اینک ندای نورانی از آقایی سراسر نور، درسی است در قالب دعا. خدایا! یاد و انتظارش را ز خاطر ما مبر<sup>۲</sup> که بی یاد او، ما از مسیر انسانیت فاصله گرفته، گرد غفلت وجودمان را فرا می‌گیرد سُستی و بی ثمری، روزیمان خواهد شد. خدایا! رزق ما را در وادی یاد امام، وسعت بخش، تا نباشد لحظه‌ای که بی یاد او بگذرد.

## حقیقت دعا

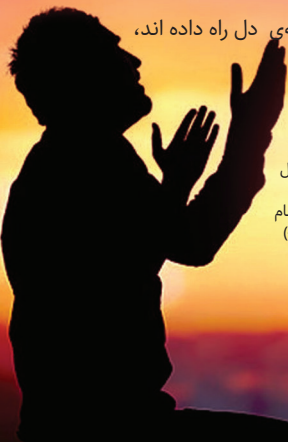
شنیده‌ای که ما را به انتظار شبانه روزی آن بزرگوار فرا خوانده اند که: «شب و روز منتظر فرج باشید»<sup>۳</sup> و می‌دانی که انتظار کسی بدون یاد او

ممکن نیست که باید شبانه روز به یادش بود تا این یاد، ما را به مقام انتظار برساند.

پدر بزرگوارشان امام عسکری علیه السلام می فرمایند: «او غیبتی طولانی خواهد داشت که هیچ کس در آن نجات نمی یابد، مگر کسی که خدای تعالی او را در اعتقاد به امامت ثابت بدارد و در دعا به تعجیل فرج، موفق سازد.»<sup>۱</sup>

می شود برای کسی دعا کنی، ولی به یادش نباشی؟! نجات در برهه ای از زمان به اسم غیبت و نجات از خطر گمراهی در این ایام، همه به دعا برای فرج منوط است و حقیقت دعا، با یاد آن امام عزیز شکل می گیرد.

به زبان دیگر، کسانی که یاد او را در خانه ی دل راه داده اند، توفیق از جانب خدا نصیبشان شده است و نجات یافته از آفات آخرالزمان هستند.



- ۱- قال الكاظم علیه السلام: «... یغیب عن ابصار الناس شخصه ولا یغیب عن قلوب المومنین ذکره و هو الثانی عشر منا (کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۶)
- ۲- اللهم لاتنسنا، ذکره و انتظاره (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ب ۴۵، ص ۲۸۹) توفیق دوم امام زمان علیه السلام
- ۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ب ۳۳، ص ۱۳، ح ۱۷
- ۴- همان، ج ۲، ب ۳۸، ص ۸۱، ح ۱

در شماره‌های قبل به گام‌های مهم رسانه‌ها در جهت نهادنیه کردن فساد و فحشا در جوامع بشری پرداختیم و گفتیم آن‌ها با نفی یا کشف حجاب و ایجاد تبرّج و نفی محرم و نامحرم و آزادی روابط، افراد را به سمت هزرگی، خیانت، شهوت پرستی و... سوق می‌دهند. در ادامه قصد داریم برایتان بیان کنیم که چگونه انسان با این که، قُبْح این مطالب را می‌داند اما باز در دام آن گرفتار می‌شود؟!!

باید دانست کشف آن چیزی که نادرست است به سادگی صورت می‌پذیرد. مثلاً قُبْح فیلم‌های مستهجن برای بسیاری از افراد، واضح است ولی آن چه توانایی افراد را در استفاده از مفساد رسانه‌ای بالا می‌برد، زمینه سازی‌هایی است که در قالب سبک زندگی به مخاطبان توسط رسانه‌ها، القاء می‌گردد. این القائات گاهی در قالب همان مطالبی است که تاکنون بیان شد و گاهی به صورت یک رشته پیام منسجم در قالب فیلم، سریال، مسابقات و تبلیغات رسانه‌ای، دنبال می‌شود. البته از آن مهم تر وجود Subliminal message (پیام به ناخودآگاه) است. در برخی از تولیدات رسانه‌ای اعم از فیلم، موسیقی، عکس و... پیام‌های پنهانی وجود دارد که به صورت عجیبی در آن‌ها گنجانده می‌شود.

یکی از چیزهایی که می‌تواند موجب تغییر ما با توجه به فعالیت‌های رسانه‌ای شود، آن چیزی است که در خلقت انسان، در فیزیولوژی مغز وجود دارد. نرون‌ها یا سلول‌های مغز انسان، به گونه‌ای فوق

# رسانه‌ها

العاده عجیب و عظیمی ساخته شده اند. هر بخش از مغز، دارای فعالیت‌های بسیار پیچیده، در عین حال، هماهنگ با سایر اعضای بدن می‌باشد. ده‌ها میلیارد سلول به صورت یک سیم پیچی در هم تنیده و منسجم، وظایف خود را با دقت بی نظیری انجام می‌دهند. یک بخش از نرون‌های مغزی را نرون‌های آینه‌ای (Mirror Neurons) می‌گویند. وظیفه این دسته از نرون‌ها، انتقال آن چیزهایی به مغز است که به وسیله‌ی حواس ما، درک می‌شود. مثلاً تصویرهایی را که مشاهده می‌کنیم مانند یک آینه، به مغز انتقال می‌یابند و در غده هیپوکامپ، ذخیره می‌گردند. روزانه ده‌ها هزار گیگ، اطلاعات با بالاترین کیفیت به این شیوه، در مغز ثبت و ضبط می‌گردند. اما نکات مهمی در این زمینه وجود دارد که باید به آن توجه کنیم:

نکته اول ایرادی است که مغز در ثبت وقایع دارد. مغز ابراز کار است، نه قوه عاقله انسان، به همین خاطر دو مشکل در آن چیزی که در مغز ذخیره می‌شود، وجود دارد.

مشکل اول این است که مغز همه چیز را به عنوان حقیقت، ثبت می‌کند و چیزی را به عنوان مجاز

# رسانه

نمی‌شناسد. مثلاً بسیاری از افراد، وقتی یک فیلم، با ژانر وحشت می‌بینند، ترس، وجودشان را فرا می‌گیرد و این در حالی هست که علم به غیر واقعی بودن آن واضح است، پس چرا این ترس وجود دارد؟ علت آن همان چیزی است که بیان شد، مغز تمام وقایح را به صورت حقیقت، ثبت می‌کند. از این حیث، گاهی اثر دروغی که می‌دانیم دروغ است یا قبول بسیاری از خرافات، که دامن بشر را گرفته، معلوم می‌گردد.

مشکل دوم مغز در ثبت وقایح، این است که همه چیز را به اسم خودمان ضبط می‌کند. مثلاً وقتی نگاه به غذا خوردن دیگران می‌کنیم، بی اختیار بزاق دهان شروع به ترشح می‌کند یا اسید و آنزیم‌ها در معده پخش می‌گردند. علت این پدیده، این است که مغز، فعل غذا خوردن را به خود می‌گیرد و به غدد ترشح اسید و آنزیم، فرمان می‌دهد.

حال وقتی ما مدام با رسانه، سر و کار داریم، مغز ما تمام وقایح رسانه را به عنوان حقیقت و خود را به عنوان عامل، ثبت می‌نماید و از این جاست که رفتار ما به سمت آن چیزی که رسانه‌ها، القاء می‌کنند تغییر می‌یابد. مشکل بعدی که باز در مغز ما وجود دارد توجه مغز به امور منفی است. طبق تحقیقات صورت گرفته، مغز انسان تقریباً ۷۰٪ به مسائل منفی توجه

دارد و تنها حدود ۳۰٪ به مسائل مثبت توجه می‌کند. اگر بخواهیم این مسأله را در قالب فعالیت رسانه‌ها نگاه کنیم، متوجه علت رشد صعودی گرایش‌های نادرست، در جوامع بشری یا تلاش رسانه‌ها در تغییر سبک زندگی، می‌شویم.

لذا برنامه‌های گوناگون با اساس انحراف و تغییر سبک زندگی به شیوه‌های نادرست که عموماً در قالب فیلم، سریال، موسیقی و... می‌باشند، توانایی تغییر انسان را دارند، چرا که ثبت و ضبط آن چیزی که در رسانه به ذهن انتقال می‌یابد می‌تواند در افکار و رفتار ما تغییر حاصل کند. اما راه مقابله با آن چیست؟ راه‌های مختلفی در این زمینه وجود دارد که به دو مورد آن اشاره می‌کنیم:

- ۱- پرهیز از رسانه‌هایی که عموماً با مطالب شان، سعی در ایجاد انحراف دارند که البته باید برای آن، جایگزین مناسب قرار داد.
- ۲- بالا بردن سطح خود آگاهی و تقویت بنیه فکری؛ که به موجب آن بتوان بر القائات رسانه‌ها غلبه نمود و البته در این زمینه، دل در گرو مسائل معنوی داشت که این می‌تواند احساس و عواطف را با عقلانیت در آمیخته و در مسیر مقابله با انحرافات یاریمان دهد.

ادامه دارد



## یدالله فوق ایدیهم

آتشی که نمی‌سوزاند "ابراهیم" را؛ و چاقویی که نمی‌برد سر "اسماعیل" را؛ و دریایی که غرق نمی‌کند "موسی" را

کودکی که مادرش او را، به دست موج‌های "نیل" می‌سپارد؛ تا برسد به خانه‌ی دشمنش؛ و "یوسفی" را که برادرانش به چاه می‌اندازند اما سر از خانه‌ی عزیز درمی‌آورد...

آیا هنوز نیاموخته‌ای که اگر همه‌ی عالم قصد ضرر زدن به تو را داشته باشند و خدا نخواهد "نمی‌توانند"؛ پس به "تدبیرش" اعتماد کن؛ به "حکمتش" دل بسپار؛ به او "توکل" کن؛ و به سمت او "قدمی بردار"؛ تا آمدنش به سوی خود را به تماشا بنشینی. آری! یدالله فوق ایدیهم.

## راه نجات از شبهه

امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: پس از این شبهه‌ای شما را خواهد رسید و شما بدون راهنما و امام هدایت‌کننده‌ای خواهید ماند، و از آن شبهه کسی نجات نمی‌یابد مگر آن کس که دعای غریق را بخواند. راوی گوید، عرضه داشتیم: دعای غریق چگونه است؟ فرمود، چنین بگوید: «یا اللَّهُ یا رَحْمَنُ یا رَحِيمُ یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ؛ ای خداوندای رحمان‌ای مهربان‌ای دگرگون‌کننده دلها دل مرا بر دینت پایدار کن».<sup>۲</sup>

بدون شک آن پدر مهربان امت، فرزندان سرگشته خود را رها نخواهد کرد.

کوتاه اما شنیدنی

## دلیل عدم دسترسی

### به امام زمان علیه السلام

آیت الله بهجت می گفتند: اگر بفرمایید چرا به حضرت ولی عصر علیه السلام دسترسی نداریم، جواب شما این است که چرا به انجام واجبات و ترک محرّمات ملتزم نیستند؟ او به همین از ما راضی است؛ زیرا «أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ تَوَرَّعَ عَنِ الْمُحَرَّمَاتِ؛ پرهیزگارترین مردم، کسی است که از کارهای حرام بپرهیزد». ترک واجبات و ارتکاب محرّمات، حجاب و نقاب دیدار ما از آن حضرت است.<sup>۳</sup>

بنابراین اگر از گناه اجتناب کنیم و منتظر واقعی باشیم، به مقامی می‌رسیم که غیبت و حضور برایمان فرقی ندارد.

## بیچارگی شیطان

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «قَالَ إِبْلِيسُ خَمَسَةَ أَشْيَاءَ لَيْسَ لِي فِيهِنَّ حِيلَةٌ وَ سَائِرُ النَّاسِ فِي قَبْضَتِي مَنِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ عَنِ نِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ اتَّكَلَّ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ وَ مَنْ كَثُرَ تَسْبِيحُهُ فِي لَيْلِهِ وَ نَهَارِهِ وَ مَنْ رَضِيَ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ بِمَا يَرْضَاهُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ لَمْ يَجْزَعْ عَلَى الْمُصِيبَةِ حِينَ تُصِيبُهُ وَ مَنْ رَضِيَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ وَ لَمْ يَهْتَمَّ لِرِزْقِهِ»<sup>۱</sup>

ابلیس می گوید: که مرا به پنج کس راه چاره ای نیست و حيله ای ندارم که بتوانم آن ها را قبضه کنم و غیر این موارد، دیگران در چنگ من هستند

۱- کسی که با نیت راست و درست به خداوند پناهنده شود و در تمامی کارهایش به خدا تکیه کند و به حبل او چنگ بزند؛

۲- کسی که در طول شبانه روز، فراوان تسبیح خدا را گوید ؛

۳- کسی که برای برادر مؤمنش بیسندد، هرچه را برای خود می پسندد ؛

۴- کسی که در وقت رسیدن سختی ها و مصائب، بی تابی و ناشکری نکند و راضی به قضای الهی باشد؛

۵- کسی که راضی و خشنود باشد، به آنچه که خداوند برای او روزی و مقدر نموده و غم روزی خویش نخورد.

## دعاهای بالا رونده

امام صادق علیه السلام فرمودند: پنج دعاست که از جانب پروردگار در حجاب نمی ماند و بالامی رود: دعای امام و رهبر عادل، دعای کسی که مظلوم واقع شده، که خداوند (در حق او) می فرماید؛ انتقام تو را خواهم گرفت ولو مدتی بگذرد، دعای فرزند صالح برای پدر و مادرش، دعای پدر صالح برای فرزند و دعای مؤمنین در حق یکدیگر، بدون اینکه دیگری خبردار شود و خداوند می فرماید هرچه برای او دعا کرد، برای خودش هم مستجاب می کنم.

۱- الخصال، ج ۲، ص ۲۸۵

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۹

۳- در محضر بهجت، ج ۱، ص ۳۶۱

مردم کشور فلسطین دریافتند که تنها راه مقابله با نتانیاهو و کابینه افراطی او، مقاومت و اسلحه است. افراد نژادپرست کابینه، به صراحت از قتل عام و کشتار و ویران کردن خانه‌های فلسطینیان صحبت می‌کنند. تصویب مصوبات جدید کابینه امنیتی و سیاسی رژیم صهیونیستی از جمله پلمپ منزل شهید خیری علقم؛ مجری عملیات شهرک نبی‌یعقوب در قدس اشغالی، دادن مجوز حمل سلاح به هزاران اسرائیلی، افزایش ساخت شهرک‌های صهیونیست نشین، استقرار نیروهای امنیتی اسرائیل در کرانه باختری و قدس و جمع‌آوری سلاح شهروندان عرب، جنایات اشغالگران صهیونیست علیه اُسرای فلسطینی و.... دست به دست هم داد و باعث آغاز عملیاتی به نام طوفان الاقصی شد. عملیاتی بسیار شگفت‌انگیز و قابل توجه که توسط مقاومت فلسطین، علیه مواضع و استحکامات رژیم تا بن دندان مسلح صهیونیستی، در سرزمین‌های اشغالی انجام شد و باعث شگفتی

## انول خانه عنکبوت

جهانیان و انسجام بیشتر جریان‌های مقاومت و افزایش روحیه در بین جریان‌های مقاومت چه در داخل فلسطین و چه در منطقه گردید. رزمندگان مقاومت فلسطین، در عملیاتی غافلگیرانه که از هوا، دریا و زمین علیه مواضع ارتش رژیم صهیونیستی تدارک دیده بودند، صحنه‌های درخشانی از مقاومت و ایستادگی یک ملت رنج دیده و تحت ستم را به منصفه ظهور گذاشتند. این عملیات هیبت دروغین و قدرت پوشالی رژیم اشغالگر و کودک کش صهیونیستی را فرو ریخت.

این عملیات، در داخل جریان مقاومت فلسطین، باعث همراهی همه‌ی جریان‌های مقاومت شد و دست ردی، به سینه جریان سازش زد و در طول یک‌دهه‌ی گذشته، مردانگی تمام جریان‌های مقاومت، را در حوزه مقابله میدانی و عملیاتی، با رژیم صهیونیستی به اثبات رساند. از جمله این جریان‌ها می‌توان به جنبش اسلامی و گردان‌های عزالدین قسام (شاخه نظامی حماس) گردان‌های الاقصی (شاخه‌ی نظامی جنبش فتح) و همچنین عربین‌الاسود که یک جریان نوپا و مبارز در بین جوانان فلسطینی است، اشاره کرد. ملتی که پس از چند دهه ظلم و ستم تحمیلی،



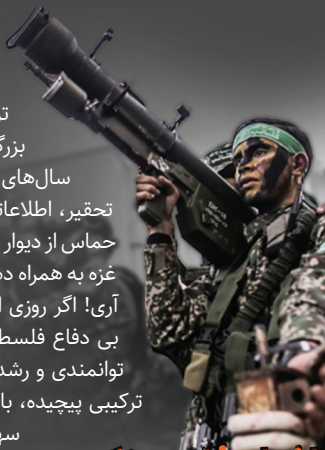
افول خانه عنکبوت

اکنون به پشتوانه نسل جوان با انگیزه و متکی بر اسلام و در سایه اعتماد به وعده‌ی الهی، به چنان قدرتی دست یافته که تحلیلگران و استراتژیست‌های

نظامی جهان را به حیرت واداشته است.

روزنامه‌ی صهیونیستی یدیعوت آحارونوت، در گزارشی اعتراف کرد که در جنگ اخیر به شدت تحقیر شدیم؛ چون ۳/۵ میلیارد شِکِل (هر دلار معادل ۳ شِکِل است) هزینه‌ی احداث دیوار حائل با غزه کردیم ولی در روز نخستِ عملیات، فروریخت و به یک دیوار کاغذی تبدیل شد، میلیون‌ها اسرائیلی غافلگیر شده و از این عملیات که هیچ‌کس آمادگی آن را نداشت، به شدت ترسیدند. این عملیات، توهین و تحقیر بزرگی بود که ارتش اسرائیل، نظیر آن را طی سال‌های گذشته مشاهده نکرده بود. نخستین تحقیر، اطلاعاتی بود. توهین بعدی، عبور آسان نیروی حماس از دیوار حائل بود. توهین سوم، بازگشت آسان به غزه به همراه دهها اسیر [اسرائیلی] بود و.....<sup>۲</sup>

آری! اگر روزی انتفاضه‌ی سنگ، تنها ابزار دفاعی ملت بی دفاع فلسطین، بود اما امروز مبارزان فلسطینی به توانمندی و رشدی رسیده‌اند که قادرند در یک عملیات ترکیبی پیچیده، با شلیک هزاران راکت و موشک، ضربات سهمگینی به دشمن صهیونیستی، وارد سازند و توان پدافندی و گنبد آهنین او را به تمسخر بگیرند. این جنگ افزارهای



**افول خانه عنکبوت**



دفاعی، زمانی که با روحیه‌ی شهادت طلبی جوانان باانگیزه فلسطینی، همراه می‌شود، چنان قدرتی تولید می‌کند که مانند سیلی بنیان کن، هیمنه رژیم صهیونیستی را از بین می‌برد.

طوفان الاقصی، کابوس فروپاشی رژیم صهیونیستی را برای سران این رژیم به یقین، تبدیل کرد و نشان داد برخی تلاش‌های مذبحخانه مانند نمایش مُضحک روند عادی سازی، قادر نخواهد بود روند رو به افول و فروپاشی خانه عنکبوت را کند یا به تأخیر بیندازد و همین طور در منطقه، کشورهایی که به دنبال بحث عادی‌سازی روابط، با رژیم صهیونیستی بودند یقیناً با تامل بیشتری آن را دنبال خواهند کرد چرا که این عملیات، آن‌ها را به این فکر فرو خواهد برد که رژیم صهیونیستی که در حال فروپاشی است چطور می‌تواند آمال و آرزوهای آنها را برآورده سازد. هم چنین کشورهای عربی که در سال‌های اخیر اقدام به عادی‌سازی روابط، با رژیم صهیونیستی کرده‌اند به خسران اقدام انجام شده خود، بیشتر پی برده و متوجه خیانتی شدند که به جهان اسلام کرده‌اند.

در حوزه‌ی سیاست، کشورهای عضو جبهه مقاومت، در هندسه قدرت جدید در نظام بین‌الملل، می‌توانند با اقدامات شجاعانه خویش، نقش آفرینی و بازیگری قابل توجهی را داشته و به دنبال افزایش توانمندی‌های خویش در این رابطه باشند.

محمد البریم ابومجاهد، سخنگو و مسئول دفتر رسانه‌ای گردان‌های مقاومت فلسطین می‌گوید: این نبرد، به تمام جهانیان چه دوستان و چه دشمنان و خائنانی که تن به عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی داده‌اند، ثابت کرد

که دشمن صهیونیستی، ببری کاغذی، توهمی از غبار و ضعیف‌تر از لانه عنکبوت است.<sup>۲</sup>

اکنون می‌توانیم بگوئیم؛ نسلی جدید از مقاومت در حال شکل‌گیری است که ان‌شالله باعث نابودی اسرائیل خواهد شد. دیر نخواهد بود روزی که جوانان فلسطینی، مسجد الاقصی را از اسارت دشمن صهیونیستی، آزاد خواهند کرد. این وعده الهی است که ظلم پایدار نخواهد ماند و اراده مردم مظلوم فلسطین بر ظالمان پیروز خواهد شد. «أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ».<sup>۳</sup>

۱- روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحارونوت، یکشنبه ۸ اکتبر ۲۰۲۳

۲- گفت‌وگوی اختصاصی با نورنیز

۳- هود/۸۱



## به حضرت خیانت نکردم

یکی از دوستان مرحوم آیت الله حاج شیخ حسنعلی تهرانی (جدّ مادری آیت الله مروارید در مشهد) بیماری حصبه گرفته بود و حالش طوری وخیم بود که او را رو به قبله خوابانده بودند.

حاج شیخ حسنعلی برای عیادتش رفتند و از اطرافیان بیمار پرسیدند: حالشان چطور است؟ گفتند: آقا! حالش خیلی بد است. طبیب گفته اگر عرق زیادی کُند؛ شاید خوب بشود، ولی هر کاری می‌کنیم و هر چه لحاف روی او می‌اندازیم، عرق شدید نمی‌کند.

آقا فرمود: تا برای من یک فنجان چای درست می‌کنید، او هم عرق می‌کند و هم خوب می‌شود، چیزی نیست. تا رفتند برای آقا چای درست کنند بیمار کم کم عرق کرد و عرق کردنش شدت پیدا کرد. پس از دقایقی بلند شد و نشست، همه تعجب کردند که چطور مرده زنده شد؟

وقتی حاج شیخ از منزل بیرون آمد، برخی پرسیدند: چطور از همان اول قاطع و محکم گفتید تا یک چایی برای من بیاورید، مریض خوب می‌شود؟ از کجا می‌دانستید؟ ایشان فرمود: از وقتی این لباس

# انزک درنگ

روحانیت را پوشیده ام، به امام زمانم خیانت نکرده ام، می دانستم حضرت هم حرف مرا زمین نمی اندازد و پشتیبان من است، لذا حضرت عنایت کردند؛ من کاری نکردم.

چنین معرفت هایی باعث می شود انسان یک لحظه خود را از امام، جدا ندانسته و دائم خود را در محضر ایشان و در معیت و همراهی حضرتش ببیند.

### ما یاغی نیستیم

مرحوم آخوند کاشی از عرفای اصفهان و از اساتید مرحوم آیت الله بروجردی و آقا جمال گلپایگانی و میرزا رحیم ارباب و برخی دیگر از بزرگان بودند.

روزی کنار حوض مدرسه مشغول گرفتن وضو بودند که یک پیرمرد روستایی از درب مدرسه وارد می شود و کنار حوض در نزدیکی ایشان مشغول به وضو گرفتن می شود و در حین وضو ترشحات آب وضویش را روی آخوند می ریزد. آخوند کاشی قدری خودش را کنار می کشد، ولی باز آن پیرمرد بی اعتنا همین طور محکم وضو گرفته و ترشحات آب وضو را بر سر و روی او می ریزد.

انزکے درنگی

آخوند به او می‌گوید: این چه وضویی است که می‌گیری؟ همه آب وضویت را بر روی من ریختی. پیرمرد ساده دل می‌گوید: جناب آخوند! شما سرتان در قرآن و کتاب هست و عالم هستید و چیزی می‌فهمید، ما که چیزی نمی‌دانیم، ما فقط آمده ایم وضویی بگیریم و به خدا بگوییم خدایا یاغی نیستیم و تسلیم هستیم.

آخوند همان جا می‌نشیند و دستش را روی سرش می‌گذارد و بلند می‌گوید: طلبه‌ها این پیرمرد را دریابید، او این را فهمیده است و به حقیقت آن رسیده است.

آری، حقیقت دینداری تسلیم و تعبد نسبت به خداوند و اولیای الهی است که آن هم به تعبد و تسلیم به خدا برمی‌گردد.

### بی حالی در نماز شب

مرحوم آقای محدث زاده فرزند محدث قمی از قول پدر نقل می‌کرد: روزی میهمان تاجری بازاری بودم و نهار را در منزل او صرف کردم. بعد از آن تا مدتی نمی‌توانستم شب‌ها برای تهجد بلند شوم و یا اگر بلند می‌شدم، حال معنوی نداشتم و سنگین و تاریک بودم. وقتی تحقیق کردم فهمیدم شخصی که میهمانش بودم، در بازار به

انگیزه درنگ

بانك عصر معروف است؛ یعنی وام ربوی می‌داده و نزول خور بوده و همان غذا تا مدتی بی حالی آورده است.

مرحوم آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی می‌فرمودند: من هر وقت نادانسته لقمه‌ای شبهه ناک می‌خوردم، حالت تهوع پیدا می‌کردم؛ چراکه این لقمه‌ها مانند غذای فاسد و مسموم، نوعی مسمومیت معنوی و روحی دارد که برای روح‌های پاک عکس العمل ایجاد می‌کند، آن چنان که در جسم شان دیده می‌شود.

این يك نقشه شیطان برای سربازگیری است. در عاشورا همین لشگر حرا مخواران مقابل اباعبدالله الحسین علیه السلام کشیدند و به تعبیر حضرت: «مَلِئْتُ بُطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ»؛ شکم‌هایشان از حرام پر شده است.»

۱- بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۸

انگیزه زندگی

# عقاید مسیحیت

در شماره قبل گفتیم  
طبق اعتقاد مسیحیان،

گناه آدم و حوا در بهشت بر همه فرزندان و نسل‌های بعدی آنان اثر گذاشته و تمام انسان‌ها از روزی که آدم از بهشت رانده شد، گناه کار متولد می‌شوند و حضرت عیسی مسیح علیه السلام که دارای مقام الوهیت بوده؛ برای پاک شدن گناه اولیای انسان‌ها، به صلیب کشیده شده است و به این طریق هر کس به چنین چیزی باور داشته باشد به نجات دست خواهد یافت. اما این باور از کجا وارد مسیحیت شده است؟

آگوستین قدیس (یکی از چهار پدر کلیسای اولیه) تئوری گناه نخستین را تحت تأثیر؛ وولگات؛ تحریر عام یا قانون مقدس غربی؛ (قدیمی ترین متن موجود از تمام کتاب مقدس و متن لاتینی رسمی کلیسای کاتولیک رومی) ابداع نمود. آگوستین قدیس می‌گوید: او برای ما قربانی داد. این قربانی را از کجا آورد. قربانی پاک و بی عیب و نقصی که بتواند تقدیم خدا کند، او خود را به عنوان قربانی تقدیم کرد. زیرا قربانی دیگری نیافت عیسی مسیح علیه السلام با آمدن به این

جهان، جایگزین انسان شد و جریمه و مجازات کامل گناه، را بر خود گرفت چون او انسان بود، در نتیجه می‌توانست بمیرد و چون در عین حال خدا بود، می‌توانست برای گناهان همه جهانیان جان بدهد. <sup>۱</sup> به نظر پدران کلیسا؛ الهیات لیبیرال مسیحی، مطالب عهد جدید، در پرتو آثار آگوستینی تفسیر شده که ذهنیتش بسیار متأثر از فرقه جبرگرا (مانویت) است و همین امر سبب فهم نادرست او از متون کتاب مقدس گردیده است.

از طرفی مشابه اعتقاد کفار گناه و نجات از آن، قبل از مسیحیت در ادیان دیگر نیز موجود بوده که می‌توان آن را الگویی برای نفوذ در مسیحیت دانست. از آن جمله می‌توان به مثال‌های زیر در ادیان دیگر نگاه نمود: عروج میترا به آسمان و بازگشت او به عنوان منجی در پایان زمان، فدا شدن الهه کریشنا؛ برای گناهان بشر در اعتقاد هندوها، قربانی شدن الهه اوزیروس؛ برای دست یافتن به نجات در مصر باستان، مصلوب شدن پرومتئوس الهه یونانیان باستان به دلیل نجات بشریت، به صلیب کشیده شدن؛ کواگزالکوته الهه مکزیک؛ با داستان کاملاً مشابه مسیحیت در قرن ۵ قبل از میلاد برای بخشش گناهان. البته این مسأله خود مبین تأثیر دیگر ادیان، در باور مسیحی می‌باشد.

اما آن چه از این مباحث مهم تر است ایرادات متعدد به آموزه فداء و نجات شناسی در مسیحیت است که اساس این باور را به خطر می‌اندازد:

**۱- سند آموزه گناه اولیه:** اعتقاد به فداء، بر پایه گناه نخستین (خوردن آدم علیه السلام) از میوه ممنوعه) بنا شده است. در سفر پیدایش تورات، آن جا که داستان



گناه آدم، روایت می‌شود، آمده است که خدا آدم را مجازات کرد و او را از بهشت بیرون راند، اما در هیچ کجای سفر پیدایش، علت این مجازات، گناه اصلی شمرده نشده است. هر چه بیشتر می‌گردیم کمتر سندی در این باره در عهد عتیق می‌یابیم و همچنین وقتی به عهد جدید؛ نگاه می‌کنیم در اناجیل اشاره صریحی به آموزه گناه نخستین نمی‌بینیم و تنها در نامه‌های پولس است که به آموزه‌ی گناه نخستین برخورد می‌کنیم و مشخص نیست چگونه این همه انبیا الهی از چنین مسأله مهمی غفلت ورزیدند و حتی خود مسیح علیه السلام هم در هیچ یک از آموزه‌هایش اشاره‌ای به سرایت گناه آدم؛ به فرزندانش نمی‌کند و حتی حواریون هم از این مسأله‌ی با اهمیت؛ که رکن اساسی مسیحیت به شمار می‌رود غفلت کردند و یک باره پولس که نه خواری بوده و نه شاگردی خواری‌ای را کرده؛ آن را به خاطر می‌آورد و به ترویج آن می‌پردازد. آیا مسأله‌ای با این اهمیت که به تعبیری رکن اساسی خلقت و تمام هستی است باید این قدر مورد غفلت همه انبیا و مسیح علیه السلام و حواریون قرار بگیرد و یک باره پولس از آن یاد کند؟!!

**۲- کودکان گناهکار:** به باور قائلین به نظریه کفاره، هر کودکی که به دنیا می‌آید، وارث گناه آدم است. به همین خاطر می‌بایست تعمید داده شود تا مشمول نجات گردد؛ زیرا اگر کودکی بدون تعمید از دنیا برود در عذاب الهی خواهد بود. آگوستین، صراحتاً کودکانی که بدون غسل تعمید؛ از دنیا می‌رفتند را به خاطر وراثت گناه آدم، مشمول عذاب می‌دانست. در ادامه پدران یونانی کلیسا نیز از این نظریه تبعیت کردند. آگوستین هم معتقد بود:

مقصد نهایی انسان‌ها یا بهشت است یا جهنم. بنابراین چون مکانی به عنوان برزخ؛ در قیامت نداریم و نوزادان بدون غسل تعمید نمی‌توانند وارد بهشت شوند، در نتیجه مستقیماً داخل جهنم خواهند شد.

در کتاب (کتکیزیم کاتولیک) نیز گفته شده است: بشر سقوط کرده؛ هنگام تولد با گناه اصلی؛ آلوده است و برای رهایی از این آلودگی، نیازمند ولادت جدیدی است که این ولادت جدید، با تعمید مهیا می‌گردد.

این ایراد که چون حضرت آدم علیه السلام مرتکب گناه شده حال باید نوزادانی که به هر دلیل از دنیا بروند و فرصتی برای زندگی پیدا نکرده و حال بدون غسل تعمید که آن هم دست خودش نبوده از دنیا برود، به جهنم می‌رود و مشمول عذاب الهی می‌گردد، هیچ توجیه عقلانی نداشته و خدا را محکوم به کاری می‌کند که دور از حکمت و عقلانیت و به نوعی عین ظلم است.

ادامه دارد

محمدعلی غیبی

۱- درآمدی بر الاهیات مسیحی، الستر مک کراث، ترجمه عیسی دیباج، صفحه ۴۵۰

# فرقه‌های انحرافی

مادر بزرگ دستش را روی دست دیگرش می‌کوبد و می‌گوید: «پناه بر خدا! چه چیزها که آدم نمی‌شنود! چه چیزها که آدم نمی‌بیند! تا همین ۷۰-۶۰ سال پیش، کوزه می‌گرفتیم دستان و می‌رفتیم از سرچشمه آب می‌آوردیم. بابایمان که برای کار می‌رفت یک شهر دیگر، چند ماه یک بار برایمان با هم شهری‌ها پیغام‌پسغام می‌فرستاد یا پولی توی کیسه می‌کرد و امانت می‌داد دستشان تا بدهند به مادرمان، بتواند خرج خانه کند. نامه و تلگراف و این جور چیزها که دیگر خیلی شاهانه بود!

بچه‌هایمان که به بادی بند بودند، یک سرخک یا مریضی این طوری می‌گرفتند، الفاتحه! مادر خودمان شش تا بچه‌اش همین طوری مردند. وضع زندگی‌مان هم که چی بگوییم! اصلاً نگویم بهتر است! یک سلمانی توی محل داشتیم، مو کوتاه می‌کرد، دندان می‌کشید... دکتر محله بود مثلاً.

## طوفان فکری



اما حالا...

آب مان سر جایش، نان مان سر جایش، خانه و زندگی و وسایل ریز و درشت مان سر جایش، دست بچه‌هایمان یکی یکی دانه موبایل، عطسه می‌کنی فیلمت را می‌گیرند دست‌به‌دست می‌چرخانند! یک‌عالمه دکتر جورواجور برای مریضی‌ها...

مرده‌ی چهل سال پیش، از توی گور بلند شود، دوباره سگته می‌کند می‌افتد سر جایش بدبخت! حق هم دارد؛ کی باورش می‌شود توی این چندسال این‌طوری همه چیز عوض شده باشد!

فکرش را که می‌کنم، می‌بینم مادر بزرگ حق دارد. همه چیز دارد با سرعت نور پیشرفت می‌کند. هر روز یک‌عالمه خبر جدید، درباره‌ی پیشرفت‌های علمی توی دنیا داریم؛ آن قدر که آدم حتی وقتی نسبت به چندسال پیش مقایسه می‌کند، دهانش باز می‌ماند. مجله‌های تخصصی و اخبار روز هم سعی می‌کنند از این قطار جا نمانند و تا جایی که می‌توانند، خبر این پیشرفت‌ها را منتقل کنند.



دنیای علم و فن‌آوری، دنیای پزشکی، دنیای علم‌های جورواجور... اگر فقط بخواهی خبر روزانه‌شان را بخوانی، از کار و زندگی می‌افتی.

حالا فکرش را نکنید! می‌گویند عصر ظهور، عصر گسترش و شکوفایی علم و دانایی است؛ یعنی دنیای علم و دانش؛ یعنی جهل و نادانی، جای خودش را به علم و دانایی می‌دهد و جهان از نور عقل و دانش، پر می‌شود؛ یعنی علوم و دانش‌هایی که در طول قرن‌ها مخفی مانده‌اند، مثل گنج‌های توی زمین، ناگهان بیرون می‌ریزند و رمز دانایی و یادگیری در وجود تک‌تک آدم‌ها، گسترده می‌شود.

می‌گویند علم و دانش ۲۷ حرف است؛ یعنی ۲۷ شعبه و شاخه دارد. تمام چیزی که پیامبران الهی برای مردم آورده‌اند، دو حرف بیش نیست و مردم تا امروز چیزی جز آن دو حرف نشناخته‌اند. حالا وقتی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف و شاخه و شعبه‌ی دیگر را آشکار و بین مردم منتشر می‌کند.<sup>۱</sup>

این یعنی جهش فوق‌العاده‌ی علمی عصر انقلاب حضرت مهدی علیه السلام؛ یعنی تحول و پیشرفتی به میزان بیش از دوازده برابر، نسبت به تمامی علوم و دانش‌هایی که در عصر همه‌ی پیامبران راستین به بشریت داده شده؛ یعنی قرار است درهای همه‌ی رشته‌ها و شاخه‌های علوم مفید و سازنده، به روی انسان‌ها گشوده شود و راهی را که بشر، در طول هزاران سال پیموده، به میزان بیش از دوازده برابرش را در مدت‌زمان کوتاهی طی کند.

یعنی وقتی قائم ما قیام کند، خداوند دست محبتش را بر سر بندگان می گذارد و عقل آن‌ها را با آن کامل و افکارشان را پرورش می دهد و تکمیل می کند.<sup>۲</sup> یعنی قرار است در پناه توجه و عنایت حضرت مهدی علیه السلام، مغزها در مسیر کمال به حرکت درآیند و اندیشه‌ها شکوفا شوند؛ یعنی قرار است مردمی بلندنظر، با افکاری باز و سینه‌هایی گشاده و همتی والا و بینشی وسیع، پرورش یابند.<sup>۳</sup> بهار علم و دانش یعنی این!

فکرش را بکنید، قرار است چه طوفان فکری‌ای اتفاق بیفتد.

- ۱- حدیث امام صادق علیه السلام: «العلم سبعة وعشرون حرفا فجميع ما جائت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين فاذا قام قائمنا اخرج الخمسة والعشرين حرفا فبثها في الناس و ضم اليها الحرفين حتى يثبتها سبعة وعشرين حرفا. « بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶
- ۲- حدیث امام باقر علیه السلام: «اذا قام قائمنا وضع الله يده على رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و كملت بها احلامهم.» همان، ص ۳۲۸
- ۳- عصر ظهور یا مدینه فاضله موعود در اسلام، حبیب‌الله طاهری.





برگزاری جلسه هم اندیشی همایش مهدویت  
و انقلاب اسلامی با حضور امام جمعه محترم  
شیراز، مدیر عامل بنیاد فرهنگی حضرت مهدی  
موعود<sup>ع</sup> فارس، استاندار محترم، رییس مجمع نمایندگان  
فارس در مجلس شورای اسلامی



مراسم جشن بیعت و آغاز امامت حضرت مهدی علیه السلام در حرم مطهر حضرت احمدین موسی الکاظم، شاهچراغ علیه السلام با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین حاج محمدحسین حدائق قائم مقام بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس





مراسم زنگ مهدویت به مناسبت  
آغاز امامت حضرت ولی عصر (عج)  
با حضور امام جمعه محترم  
فسا



گرامیداشت هفته دفاع مقدس و جشن ولایت افا صاحب الزمان عج مدرسه نبوت رونیز سفلی



مراسم جشن سالروز آغاز امامت و  
هفته دفاع مقدس  
در مدرسه نبوت - رونیز



کارگاه آموزشی تخصصی مهدویت  
جهت رابطین مهدویت ادارات  
بمناسبت نهم ربیع الاول  
در فرمانداری فسا



مراسم جشن سالروز آغاز امامت  
امام عصر  
گراش